

یعنی اهل ایمان و معرفه بروشنایی علم او مصدق و مقصد
 میکردند و او را شافعی مطهر ازان میکردند که از پسران
 عبدالمطلب یکی شافعی نام داشته بوده و او فرزندان
 اوست چنانچه عم زاده حضرت رساله پناه **محمد صلی الله**
 باشد تقدیم او بر همه عالمیان این یکی بوده که قدموا
 القرش شرفی دیگر آنکه دختر زاده امیرالمؤمنین **ابوبکر**
 صدیق بوده رضی الله عنه شرف سوم آنکه در طفلی او را
 فهمی و درایتی داده بود که علمای بوی محتاج بودند چنانچه امام
 احمد حنبل رحمه الله علیه دوزی در میان علمای سمرقند کرده
 گفت گواه باشید که من غائبه دار شافعی ام و ساگرداوم
 بر علمای بوی اعتراض کردند گفتند تو مردی بیکی که بدرجه رسیده
 که هر علمای تو محتاج اند و تو در صحبت کودکی می نشینی و تو
 مشایخ و استادان کرده **میر امام احمد حنبل** گفت هر چه ما
 داریم او موفیان میدانند که او را نمی یافتم بر آنکه می
 چرا که او حقایق اخبار و آیات فهم کرده و ما حدیث بیشتر

در فقه

و در فقه بر طلق بسته ایم **میر حو** عالم آن در نسبت او شاده
 و همچو کس بر کتراز امام شافعی در آن عهد نبوده **میر اکبر در اوصاف**
 حضرت امام شافعی رضی الله عنه اگر هر عالم عالم شوند هم
 کتابها در وقت عمر خود در اوصاف او نویسد شمه از او
 آن بزرگوار نوشته باشند **نقلست** که در سن شش سالگی
 بود شی هرون الرشید رحوم رفت زینده بزوی
 سجده نشسته بود تا نماز خفتن بگذارد **میر هرون الرشید** گفت
 اول بیا که من تو حاجتی دارم زینده گفت من اول نماز بگذارم
میر هرون الرشید بگفت گفت که نماز کناری از من طلاق
 و بطلاق باشی و درین سخن دو صکت بود یکی آنکه ازین استثناء
 بترسید و بیک نماز کند و نیز از مایش بگوید او را در صحبت خود
میر زینله ازین سخن برچید و اول امر حو علی مقدم داشت و گفت
 خلیفه نشد و نماز بگذارد **میر خلیفه** پشمان شد و اما زینله را بغایت
 دوست میداشت **میر خلیفه** در خلوتی رفت و تاصح میکرد
میر باطلو که بر تخت نشست و ارکان دولت همه حاضر شدند